



خبر در گذشت رابین ویلیامز شوکی برای مردم آمریکا بود، برنامه‌های تلویزیونی قطع شدند تا این خبر را اعلام کنند و در همان لحظه ویلیامز همه شبکه‌های آنلاین را به تسخیر خود درآورد حتی اوپاسا هم تأثر عمیقش را بلافاصله ابراز کرد. به گزارش مهر به نقل از لس آنجلس تایمز، ویلیامز به عنوان یک کم‌دین نابغه بیش از ۳ دهه ستاره فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بود که وابستگی‌اش به مصاد اعتیادآور در نهایت به زندگی‌اش پایان غم‌انگیزی داد. او بارها در طول زندگی‌اش با اعتیاد به الکل مبارزه کرده بود و اکنون خانواده او درخواست کرده‌اند تا به حریم‌شان احترام گذاشته شود تا آنها بتوانند در این لحظات دشوار با غم خود کنار بیایند. جسم بی‌جان ویلیامز ظهر دوشنبه (به وقت ایران نیمه‌شب دوشنبه) در خانه‌اش در تیوربون پیدا شد. ویلیامز که از سوی سایت اینترنتمنت ویکلی در سال ۱۹۹۷ به عنوان بامزه‌ترین مرد در قید حیات معرفی شده بود، در طول این مدت موجب خنده و شادی بسیاری از مردم جهان شده بود. این حال او در نقش‌های جدی نیز بازی کرده و به عنوان معالج روان‌درمان مست دیمون در فیلم «ویل هانتینگ خوب» در سال ۱۹۹۷، جایزه اسکار نقش مکمل را دریافت کرده بود. او برای «پادشاه ماهیگیری» در سال ۱۹۹۱، «تجن شاعران مرده» در سال ۱۹۸۹ و «صبح بخیر، ویتنام» در سال ۱۹۸۷ نامزد دریافت اسکار شده بود. ویلیامز در این سال‌ها مشکلاتش از جمله اعتیاد به کوکائین و الکل را با جامعه در میان گذاشته بود. او یک بار در سال ۲۰۰۶ راهی کمپ هازلدن شد تا بتواند بر این مشکلات غلبه کند و بعدها توضیح داد که مشکل وابستگی به الکل در طول ۲۰ سال اخیر او را بیشتر عذاب داده است. به‌تازگی نیز او تصمیم گرفته بود تا یک بار دیگر بستری شود. بازیگر نقش محبوب «خانم دات فایبر» در این باره گفته بود: لب یک صخره ایستاده‌ای و پایین را نگاه می‌کنی، صدایی می‌شنوی، تنها یک صدای ضعیف که می‌گوید «ببر» و همان صدا می‌گوید «همین یک بار…» و همه فکر می‌کنند همین یک بار که اشکالی ندارد اما بعد از آن دیگر امکانی وجود ندارد.

**«روایه‌ای که می‌آیند فیلمی با حضور این بازیگر در گذشته است که می‌میرد و احوالاتش در برزخ نمایش داده می‌شود.**

■ ■ ■

### «سفیر فیلم» مستندی با موضوع کتاب می‌سازد

فیلم مستندی با موضوع کتاب و بررسی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران توسط موسسه سینمایی سفیر فیلم کلید خورد. علی جمالی، معاون تولید «سفیر فیلم» به خبرنگار مهر گفت: این مستند کوتاه در قالب طرح مستندسازی حمایتی سفیر فیلم کلید خورده است که به بررسی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و مصاحبه بافعالان و کارشناسان حوزه نشر و واکاوی وضعیت عرضه و فروش کتاب در کشور اختصاص دارد. وی درباره مراحل ساخت این فیلم مستند گفت: طرح اولیه این مستند از مجید فضائلی است و کارگردانی این اثر رانیز به عهده دارد.ضمن اینکه تصویربرداری این مستند از اوایل اردیبهشت‌ماه سال جاری هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه کتاب تهران آغاز شد و هم‌اکنون مراحل اولیه فنی آن به اتمام رسیده است.

**«چتر سبز» هنوز شانس اکران ندارد**
ناصر رفایی، کارگردان سینمای ایران از تلاش برای اکران فیلم «چتر سبز» در گروه «هنر تجربه» و حضور فیلم تاراه‌اش با عنوان «فرمول سیزده» در جشنواره کودک و نوجوان اصفهان خبر داد. ناصر رفایی، کارگردان سینمای ایران درباره آخرین وضعیت اکران فیلم «چتر سبز» به مهر گفت: من از مدت‌ها قبل پیگیر اکران این فیلم بودم اما شرایط به گونه‌ای بود که شرایط اکران تا امروز فراهم نشده است. وی ادامه داد: صحبت‌هایی شده است که این فیلم می‌تواند در گروه «هنر تجربه» اکران شود اما هنوز این مساله قطعی نیست. این کارگردان سینمای ایران عنوان کرد: مخاطب اصلی این فیلم کودکان هستند و اگر در فصل پاییز و هم‌زمان با بازگشایی مدارس در قالب طرح زنگ مدرسه اکران شود، می‌تواند موفق عمل کند.ناصر رفایی که این روزها مشغول فیلمبرداری فیلم تاراه‌اش با عنوان «فرمول سیزده» است، درباره مضمون آن توضیح داد: این کار هم همانند کارهای قبلی‌ام با موضوع کودکان ساخته می‌شود و آن بازیگر اصلی کودک دارد. بخشی از لوکیشن‌ها در تهران خواهد بود و تعدادی دیگر از لوکیشن‌های اصلی در شمال کشور است. به گفته وی، فیلمبرداری «فرمول سیزده» یازدهم مرداد سال جاری آغاز شده و زمان تقریبی برای فیلمبرداری ۱۸ جلسه است. کارگردان فیلم «خانه امن» یادآور شد: این فیلم برای حضور در بیست و هشتمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان آماده خواهد شد. «فرمول سیزده» داستان سامان پسر یک شیمی‌دان است که به دلیل شغل پدرش با مواد شیمیایی آشناست. یک انفجار شیمیایی پدر سامان و او را درگیر ماجراهایی می‌کند و…

## گفت‌وگو با شهین تسلیمی، بازیگر فیلم «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران»

# سینمای دهه ۶۰ به حقیقت نزدیک بود



شوم و در قالب کاراکتر قرار گیرم و با شخصیت ارتباط درستی برقرار کنم. تعاریف خانم شیرمحمدی به‌خوبی مرا راهنمایی کرد که در قالب «پوران»، زنی که عقده‌های درونی در وجودش دارد و به نوعی چشم دیدن زندگی خواهرش را ندارد، قرار گیرم. ■ **مخاطب با شخصیت پوران همذات‌پنداری می‌کند**

■ **تنها کاراکتری که حرف‌های صریح به پرویز می‌گوید پوران است.**
چقدر از دیالوگ‌هایی که برای پوران در نظر گرفته شده بود بداهه و طراحی خودتان بود؟ تمام دیالوگ‌های پوران به‌خوبی طراحی و نوشته شده بود، اصلا بداهه‌گویی نداشتیم و تمام دیالوگ‌ها براساس روحيات پوران نوشته شده بود که به نظر هم‌گونه که شما اشاره کردید به‌خوبی نوشته شده بود و با روحيات این کاراکتر كاملا همخوانی داشت. پیش از این دیده بودند، در اواسط فیلمبرداری خانم خیراندیش دچار سلاحه شد و خانم شیرمحمدی فیلمنامه را تعریف کردند و انتخاب من به سرعت انجام شد. اواسط فیلمبرداری به گروه پیوستم و حتی فرصت برای خرید لباس هم وجود نداشت. من سر کار تلویزیونی بودم اما كاملا اعتماد کردم زیرا با کارهای خانم شیرمحمدی آشنا بودم همچنین آقای افخمی که فیلمساز برجسته‌های هستند با کارهای خانم خیراندیش آشنا بودم به همین دلیل سعی کردم بازی‌ام را در راستای بازی خانم خیراندیش جلو ببرم و به بازی ایشان نزدیک شوم تا خللی در کار ایجاد نشود و هم‌راستا با کل داستان حرکت کنم.

■ **پوران عقده‌های درونی دارد**
بدون اینکه فیلمنامه را بخوانید نقش را قبول کردید و بازی خود را هم‌راستا با خانم خیراندیش طراحی کردید که همخوانی لازم را داشته باشد.

شاید این جملات برای خواننده به مفهوم تعریف از خود تلقی شود اما اینگونه نیست. وقتی کاراکتری به من پیشنهاد می‌شود تلاش می‌کنم به نقش نزدیک

م‌باشم و در نهایت تسلیمی که شهین

زهر ا قزایی: شهین تسلیمی که تقریباً یک دهه قبل بازیگری را شروع کرده، بیشتر به واسطه سریال‌های تلویزیونی‌اش شناخته می‌شود. او در سینما هم تجربه بازیگری داشته و در فیلم‌های «طلا و مس»، «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه» و «فصل فراموشی فریبا» که هنوز اکران نشده، بازی کرده است. او این روزها فیلم «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» را به کارگردانی بهروز افخمی بر پرده سینماها دارد. فیلمی که در آن نقش خواهر گوهر خیراندیش را بازی کرد و جالب است که به دلیل اشتباه سهوی داوران و عوامل فیلم، در اعلام اسم این بازیگر، نام نعيمه نظام‌دوست (دیگر بازیگر این فیلم) به جای وی در مراسم اختتامیه مطرح شد و در نهایت سیمیرغ بهترین نقش مکمل زن به ششمین قدمی(بازیگر فیلم «مروژ») رسید.

شما در میان راه به گروه فیلمبرداری سینمایی «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» پیوستید. با توجه به اینکه شما نقش خواهر دوقلوی گوهر خیراندیش را برعهده گرفتید، چگونه بازی خود را با بازی ایشان هماهنگ کردید؟

من با خانم شیرمحمدی آشنا بودم، کار مرا پیش از این دیده بودند، در اواسط فیلمبرداری خانم خیراندیش دچار سلاحه شد و خانم شیرمحمدی فیلمنامه را تعریف کردند و انتخاب من به سرعت انجام شد. اواسط فیلمبرداری به گروه پیوستم و حتی فرصت برای خرید لباس هم وجود نداشت. من سر کار تلویزیونی بودم اما كاملا اعتماد کردم زیرا با کارهای خانم شیرمحمدی آشنا بودم همچنین آقای افخمی که فیلمساز برجسته‌های هستند با کارهای خانم خیراندیش آشنا بودم به همین دلیل سعی کردم بازی‌ام را در راستای بازی خانم خیراندیش جلو ببرم و به بازی ایشان نزدیک شوم تا خللی در کار ایجاد نشود و هم‌راستا با کل داستان حرکت کنم.

■ **پوران عقده‌های درونی دارد**
بدون اینکه فیلمنامه را بخوانید نقش را قبول کردید و بازی خود را هم‌راستا با خانم خیراندیش طراحی کردید که همخوانی لازم را داشته باشد.
شاید این جملات برای خواننده به مفهوم تعریف از خود تلقی شود اما اینگونه نیست. وقتی کاراکتری به من پیشنهاد می‌شود تلاش می‌کنم به نقش نزدیک م‌باشم و در نهایت تسلیمی که شهین زهر ا قزایی: شهین تسلیمی که تقریباً یک دهه قبل بازیگری را شروع کرده، بیشتر به واسطه سریال‌های تلویزیونی‌اش شناخته می‌شود. او در سینما هم تجربه بازیگری داشته و در فیلم‌های «طلا و مس»، «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه» و «فصل فراموشی فریبا» که هنوز اکران نشده، بازی کرده است. او این روزها فیلم «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» را به کارگردانی بهروز افخمی بر پرده سینماها دارد. فیلمی که در آن نقش خواهر گوهر خیراندیش را بازی کرد و جالب است که به دلیل اشتباه سهوی داوران و عوامل فیلم، در اعلام اسم این بازیگر، نام نعيمه نظام‌دوست (دیگر بازیگر این فیلم) به جای وی در مراسم اختتامیه مطرح شد و در نهایت سیمیرغ بهترین نقش مکمل زن به ششمین قدمی(بازیگر فیلم «مروژ») رسید.

شما در میان راه به گروه فیلمبرداری سینمایی «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» پیوستید. با توجه به اینکه شما نقش خواهر دوقلوی گوهر خیراندیش را برعهده گرفتید، چگونه بازی خود را با بازی ایشان هماهنگ کردید؟

من با خانم شیرمحمدی آشنا بودم، کار مرا پیش از این دیده بودند، در اواسط فیلمبرداری خانم خیراندیش دچار سلاحه شد و خانم شیرمحمدی فیلمنامه را تعریف کردند و انتخاب من به سرعت انجام شد. اواسط فیلمبرداری به گروه پیوستم و حتی فرصت برای خرید لباس هم وجود نداشت. من سر کار تلویزیونی بودم اما كاملا اعتماد کردم زیرا با کارهای خانم شیرمحمدی آشنا بودم همچنین آقای افخمی که فیلمساز برجسته‌های هستند با کارهای خانم خیراندیش آشنا بودم به همین دلیل سعی کردم بازی‌ام را در راستای بازی خانم خیراندیش جلو ببرم و به بازی ایشان نزدیک شوم تا خللی در کار ایجاد نشود و هم‌راستا با کل داستان حرکت کنم.

## گفت‌وگو با شهین تسلیمی، بازیگر فیلم «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران»

# سینمای دهه ۶۰ به حقیقت نزدیک بود

ما در دوران کودکی اینگونه بزرگ شدیم که پدرها و مادرها فرزندان خود را لوس نمی‌کردند، من هم با این نوع تربیت بزرگ شدم اما مهربانی هم دارم. نقش‌هایی که پیشنهاد می‌شود از این دست است و من هم تلاش می‌کنم به کاراکتر نزدیک شوم. ■ **چرا در حوزه سینما فعالیت کمتری نسبت به تلویزیون دارید؟**

در خلال کارهای تلویزیونی حتما کارهای سینمایی را هم می‌پذیرم. سریال‌های تلویزیونی زمان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و ترجیح می‌دهم برای خودم استرس ایجاد نکنم زیرا هماهنگی بین کارها استرس ایجاد می‌کند اما در طول سریال تلاش کردم فیلم سینمای قبول کنم. سینما هر زمان که پیش بیاید می‌پذیرم و برایم اهمیت دارد. هم‌اينک که مشغول بازی در سریال «درسرای عظیم» و «کیمیا» هستم و تله‌فیلم‌ها را قبول نمی‌کنم.

■ **درباره نقش‌تان در «درسرای عظیم» که قرار است از شبکه ۳ سيما پخش شود، بفرمایید.**

در سریال «درسرای عظیم» نقش صاحبخانه‌ای را بازی می‌کنم که اتاق‌هایش را در اختیار چند خانوار قرار داده و سخنگویی‌های خاصی در پرداخت اجاره دارد. جواد عزتی یکی از مورچین است که به دلیل عدم پرداخت اجاره‌ها صاحبخانه را عصبی و ناراحت می‌کند. افراد این خانه در زمان سختی‌ها به داد هم می‌رسند و روابط زیبایی در این سریال وجود دارد که توصیه می‌کنم مخاطبان این سریال را در زمان پخش پیگیری کنند و ببینند. به مخاطبان توصیه می‌کنم «درسرای عظیم» را حتما ببینند. آقای مهام و محمدی از تهیه‌کنندگان برجسته سازمان صدا و سيما هستند و کارهایشان مورد توجه مخاطبان می‌دیند اما امروز بعضی از روابط را می‌بینند که برایشان مبهم و غیرقابل باور است. مخاطب دوست دارد به او دروغ نگویم و خودشان و روابط‌شان را بر پرده سینماها ببینند.

■ **مادری سختگیر هستم**
اکثرا در نقش‌هایی که بازی کردید زنان مقتدري را تصوير کرده‌ايد. در «آذر، شه‌دخت…» هم چنین نقشی داشتيد. برای دوری از کلیشه از این نوع

کاراکترها پرهنمی‌کنید؟
کاراکتر اصلی خودم اینگونه است البته در نقش‌هایی که ایفا می‌کنم تلاش می‌کنم بخش‌هایی که نیاز است در وجودم پررنگ شود و برای نزدیک شدن مخاطب به کاراکتر نیاز است را پررنگ می‌کنم. من به‌شخصه در تربیت بچه‌هایم سختگیرم، مهربانی هم داشتم اما کار هستم.

فیلم و با به سرقت رفتن اموالش کارش به گدایی می‌کشد. مرد شرقی داستان که بالاجار با محاسن بلند گدایی می‌کند و درساحلی که اروپایی‌ها تفریح می‌کنند، نوشته‌ای روبروی خود گذاشته است که «I'm hungry» در یکی از پلان‌های پایانی فیلم که می‌خواهد حس وطن‌دوستی را تقویت کند برخلاف هدفش به یکی از تحقیرآمیزترین صحنه‌های سینمای ایران تبدیل می‌شود؛ صحنه‌ای که عطاران در نهایت عجز و در خیابان‌های پاریس پرچم ایران را روی خود کشیده و خوابیده است!

فیلم چه خواهدد و چه نخواهد سرشار از نمادگرایی است، نمادهایی که در دل قصه جایی ندارند اما در فیلم قرار داده شده‌اند و در موارد بسیاری نمادها نمی‌توانند به خوبی بر دل و مدلول خود اشاره کنند، نمادهایی مثل محاسن بلند عطاران، نماد پرچم در ابتدا و آخر فیلم، ریختن آجیل‌ها درحالی که عکس می‌گیرد و حتی صحنه گدایی‌اش.

در نهایت اینکه، رد کارپت اگرچه از شعارهای روشنفکری معمول در فیلم‌های هم‌گونه خود به دور مانده است و حتی تم مهاجرت را که تم فرعی فیلم امری استر مطلوب نمی‌داند اما نتوانسته است اثری منسجم و حتی طنز از کار دربیايد.

عطاران در فیلم‌های قبلی خود بویژه آثار تلویزیونی‌اش نشان داده بود که در سینما بیشتر از همه چیز و شعارهای روشنفکرانه، برایش «سرگرم کردن» مردم مهم است و این کار به دلیل توانایی فوق‌العاده و تسلطش بر فرم و محتوا بوده است و همچنان دیدن ستاره‌های هالیوودی چیز دیگری ندارد و بسیاری از نماها حالت مستند به خود می‌گیرد، همانطور که صابرداری فیلم هم در صحنه‌های مربوط به حاشیه‌های جشنواره اینچنین است.

موسیقی پر تکرار و خسته‌کننده فیلم به‌به‌طور مکرر قصه را بیش از پیش به سمت لمینیسیم پیش می‌برد. درست از زمانی که قهرمان داستان از ایران خارج می‌شود شاهد رفتارهای نامتعارفی از وی در موقعیت‌های متعددی چون هواپما، صحنه قطار و مسافر‌خانه هستیم، گویی در پی ارتباط با زنان است و سرشار از عقده‌های جنسی است. شخصیت فیلم مکرراً مورد تحقیر خارجی‌ها قرار می‌گیرد، در صحنه‌ای به دلیل ایجاد زاحمت برای خدش کتک می‌خورد و درصحنه‌ای دیگر به خاطر بلد نبودن بستن پاپیون مورد تحقیر خارجی‌ها قرار می‌گیرد.قهرمان داستان در انتهای

شوم و در قالب کاراکتر قرار گیرم و با شخصیت

ارتباط درستی برقرار کنم. تعاریف خانم شیرمحمدی به‌خوبی مرا راهنمایی کرد که در قالب «پوران»، زنی که عقده‌های درونی در وجودش دارد و به نوعی چشم دیدن زندگی خواهرش را ندارد، قرار گیرم. ■ **مخاطب با شخصیت پوران همذات‌پنداری می‌کند**

■ **تنها کاراکتری که حرف‌های صریح به پرویز می‌گوید پوران است.**
چقدر از دیالوگ‌هایی که برای پوران در نظر گرفته شده بود بداهه و طراحی خودتان بود؟ تمام دیالوگ‌های پوران به‌خوبی طراحی و نوشته شده بود، اصلا بداهه‌گویی نداشتیم و تمام دیالوگ‌ها براساس روحيات پوران نوشته شده بود که به نظر هم‌گونه که شما اشاره کردید به‌خوبی نوشته شده بود و با روحيات این کاراکتر كاملا همخوانی داشت. پیش از این دیده بودند، در اواسط فیلمبرداری خانم خیراندیش دچار سلاحه شد و خانم شیرمحمدی فیلمنامه را تعریف کردند و انتخاب من به سرعت انجام شد. اواسط فیلمبرداری به گروه پیوستم و حتی فرصت برای خرید لباس هم وجود نداشت. من سر کار تلویزیونی بودم اما كاملا اعتماد کردم زیرا با کارهای خانم شیرمحمدی آشنا بودم همچنین آقای افخمی که فیلمساز برجسته‌های هستند با کارهای خانم خیراندیش آشنا بودم به همین دلیل سعی کردم بازی‌ام را در راستای بازی خانم خیراندیش جلو ببرم و به بازی ایشان نزدیک شوم تا خللی در کار ایجاد نشود و هم‌راستا با کل داستان حرکت کنم.

■ **پوران عقده‌های درونی دارد**
بدون اینکه فیلمنامه را بخوانید نقش را قبول کردید و بازی خود را هم‌راستا با خانم خیراندیش طراحی کردید که همخوانی لازم را داشته باشد.
شاید این جملات برای خواننده به مفهوم تعریف از خود تلقی شود اما اینگونه نیست. وقتی کاراکتری به من پیشنهاد می‌شود تلاش می‌کنم به نقش نزدیک م‌باشم و در نهایت تسلیمی که شهین زهر ا قزایی: شهین تسلیمی که تقریباً یک دهه قبل بازیگری را شروع کرده، بیشتر به واسطه سریال‌های تلویزیونی‌اش شناخته می‌شود. او در سینما هم تجربه بازیگری داشته و در فیلم‌های «طلا و مس»، «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه» و «فصل فراموشی فریبا» که هنوز اکران نشده، بازی کرده است. او این روزها فیلم «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» را به کارگردانی بهروز افخمی بر پرده سینماها دارد. فیلمی که در آن نقش خواهر گوهر خیراندیش را بازی کرد و جالب است که به دلیل اشتباه سهوی داوران و عوامل فیلم، در اعلام اسم این بازیگر، نام نعيمه نظام‌دوست (دیگر بازیگر این فیلم) به جای وی در مراسم اختتامیه مطرح شد و در نهایت سیمیرغ بهترین نقش مکمل زن به ششمین قدمی(بازیگر فیلم «مروژ») رسید.

شما در میان راه به گروه فیلمبرداری سینمایی «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» پیوستید. با توجه به اینکه شما نقش خواهر دوقلوی گوهر خیراندیش را برعهده گرفتید، چگونه بازی خود را با بازی ایشان هماهنگ کردید؟

من با خانم شیرمحمدی آشنا بودم، کار مرا پیش از این دیده بودند، در اواسط فیلمبرداری خانم خیراندیش دچار سلاحه شد و خانم شیرمحمدی فیلمنامه را تعریف کردند و انتخاب من به سرعت انجام شد. اواسط فیلمبرداری به گروه پیوستم و حتی فرصت برای خرید لباس هم وجود نداشت. من سر کار تلویزیونی بودم اما كاملا اعتماد کردم زیرا با کارهای خانم شیرمحمدی آشنا بودم همچنین آقای افخمی که فیلمساز برجسته‌های هستند با کارهای خانم خیراندیش آشنا بودم به همین دلیل سعی کردم بازی‌ام را در راستای بازی خانم خیراندیش جلو ببرم و به بازی ایشان نزدیک شوم تا خللی در کار ایجاد نشود و هم‌راستا با کل داستان حرکت کنم.



بعد از سال‌ها فیلمی خانوادگی

**مورد توجه داوران جشنواره قرار گرفت و مردم هم استقبال خوبی از این فیلم نشان دادند.**

مردم مسائل خانوادگی را خیلی

بیشتر دوست دارند چون اتفاقاتی که

در طول فیلم می‌افتد را در زندگی

خود تجربه کرده‌اند و برایشان كاملا

ملموس است. اگر نگاهی دقیق به



سلسحرو و شهریار بحرانی را به‌رغم تمسخر آثارشان دارد، چگونه‌برای وودی آلن فیلمنامه به‌زبان انگلیسی نوشته است، درحالی‌که خودش در بخشی از فیلم اقرار می‌کند که حتی مکالمه زبان انگلیسی‌اش هم ضعیف است. تمام اساتید درام، از بوپاتیاق ارسطو تا سید فیلد و یوجین فیل و رابرت مک کی، همگی شخصیت پردازی را از مهم‌ترین بخش‌های یک درام می‌دانند که قصه روی آن بنا می‌شود و پیش می‌رود، اما همین مشکل شخصیت‌پردازی در رد کارپت باعث می‌شود تا سایر عناصر نیز لنگ بزنند و حتی انگیزه اقدام قهرمان داستان برای سفر به فرانسه امری توجیه‌نشده در ذهن تماشاگر بماند.

عطاران البته می‌داند که نام فستیوال کن در ایران با عباس کیارستمی و دوستی او با ژیل ژاکوب پیوند خورده است، به همین دلیل چند بار از کیارستمی در فیلم یاد می‌شود اما عطاران گویا می‌گوید که به هیچ وجه به دنبال پیروی از سینمای روشنفکری عباس کیارستمی نیست و بیش از همه در فیلم برایش سرگرم کردن مردم مهم است، هدفی که هرچند مطلوب است اما عطاران در طول فیلم کمتر به آن دست پیدا می‌کند.

عطاران برای اینکه نشان دهد نگاهش به هدف روشنی دنبال می‌شود و هیچ انگیزه لازمی از شخصیت اول فیلم برای کارهای بعدی‌اش نداریم، حتی مشخص نیست بازیگری که در ایران هیچ‌گونه توفیقی نداشته است و حتی آرزوی بازی در فیلم‌های

## تازه‌ها

### اظهارات توهین آمیز کارگردان «فرشته‌ها باهم می‌آیند»



یازدهمین جلسه «سینما روایت» روز یکشنبه به نمایش و نقد فیلم سینمایی «فرشته‌ها با هم می‌آیند» ساخته حامد محمدی اختصاص یافت. به گزارش فارس، در بخشی از این نشست، حامد محمدی درباره جایگاه روحانیت در دوره پس از انقلاب، گفت: من فکر می‌کنم راز موفقیت روحانیت پیش از انقلاب این بود که از دست مردم پول می‌گرفتند و پول دست مردم نمی‌داند البته همه امام خمینی را نمی‌شناختند و تنها به لباس روحانیت که لباس رسول‌الله است، اعتماد کردند چون در محله خود را روحانی را دیدند که می‌توانستند به او اعتماد کنند. این فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان سینما یادآور شد: پس از انقلاب جایگاه روحانیت تغییر پیدا کرد و نسبتش با مردم هم تغییر کرد و مقابل مردم قرار گرفت. گفتنی است خبر مذکور پس از قرار گرفتن روی خروجی تصحیح شد و توهین مستقیم کارگردان فرشته‌ها باهم می‌آیند حذف شد اما اصل خبر و توهین آشکار کارگردان به قرار گرفتن روحانیت در مقابل مردم در سایت سینماپرس قابل دسترسی است. ■ ■ ■

### درخواست رویگری از مردم

رضا رویگری به دلیل سکنه مجدد دچار برخی مشکلات جسمی شده و از مردم می‌خواهد برای بهبودی وی دعا کنند. این بازیگر سینما و تلویزیون درباره آخرین وضعیت جسمانی‌اش به مهر گفت: به تازگی دوباره سکنه کردم که این امر باعث اختلال در راه رفتن و تعادلش شده است و دست چپم کمی آسیب دیده که نمی‌توانم به راحتی آن را تکان دهم. وی ادامه داد: این عارضه روی حنجره و صدایم هم تاثیر گذاشته و در حال حاضر نمی‌توانم به فعالیت‌هایم در زمینه موسیقی بپردازم. بازیگر فیلم «توتیک» درباره تازه‌ترین فعالیتش گفت: آخرین کاری که در آن حضور داشتم سریال «مدینه» به کارگردانی سیروس مقدم بود که آن هم به دلیل حال خراب و وضعیت اشتفا‌هی که داشتم نتوانستم در بیشتر از ۲ سکنس حضور داشته باشم و پروژه را همراهی کنم. این بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون با اشاره به اینکه این روزها در منزل مشغول استراحت است، بیان کرد: توانایی انجام دادن برخی از کارها را ندارم و از مردم می‌خواهم برای سلامتی‌ام دعا کنند تا بتوانم دوباره فعالیت‌های خود را در زمینه سینما، تلویزیون و موسیقی دنبال کنم. رضا رویگری، بازیگر سینما و تلویزیون چندی پیش دچار سکنه مغزی شد که این اتفاق وی را مدتی خانه‌نشین کرد. او به تازگی در سریال «مدینه» به کارگردانی سیروس مقدم که در ماه رمضان پخش شد به ایفای نقش پرداخت و ۲ فیلم سینمایی از جمله فیلم «چهار بان‌دی» به کارگردانی محمدجعفر باقری‌نیا را در نوبت اکران دارد. ■ ■ ■

### انتشار داستان‌های انقلابی

### نادر ابراهیمی برای نوجوانان

انتشارات سوره مهر قصد دارد ۵ عنوان اثر از زنده‌باد نادر ابراهیمی را که با موضوع انقلاب اسلامی برای گروه سنی نوجوان نوشته شده منتشر و روانه بازار کتاب کند. به گزارش تسنیم، «پدر چرا توی خانه مانده است؟»، «برادرت را صدا کن»، «تیروی‌هایی»، «جای او خالی» و «سحرگاهان همافران اعدام می‌شوند» عنوان ۵ اثر از زنده‌باد نادر ابراهیمی است که از سوی انتشارات سوره مهر تا پایان شهریور ماه روانه بازار کتاب خواهد شد. این آثار دربردارنده داستان‌هایی با موضوع انقلاب اسلامی است که نسنی روایت شده است. تعدادی از این آثار پیش از این در سال ۵۸ منتشر شده بودند. نویسنده قصد داشت با نگارش این آثار، وقایع انقلاب و آرمان‌های آن را با زبان داستان به مخاطب‌ب‌ها منتقل کند. ابراهیمی پیش از این نیز داستان‌هایی برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته بود. آثار او به دلیل ساختار و محتوا، با بسیاری از کتاب‌هایی که برای این گروه سنی در آن ایام نوشته شده بود، متمایز بود. او هم‌اکنون نیز میان نویسندگان حوزه کودک و نوجوان به عنوان یکی از سرآمدان ادبیات این عرصه شناخته می‌شود و آثار و آرای او هر ساله در آثار پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش‌هایی از کتاب «پدر چرا توی خانه مانده است؟» که برای اولین‌بار از سوی این انتشارات به چاپ می‌رسد، می‌خوانیم: «مهران»، دوست امیرعلی، علاقه‌مند به مدال‌آوردن در مسابقه اسکه است. او چندین بار زخمی شده و دیگر قهرمانان را نیز زخمی کرده، اما طمع مدال‌آوردن در او فروکش نکرده است. روزی، بعد از سیری شدن دوره جراحات، مهران به سراغ امیرعلی می‌آید تا او را به عنوان مشوق، به پیست اسکی ببرد. امیرعلی مخالفت می‌کند، اما مدتی بعد، با ماجراهای غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو می‌شود. .